

## در باره "تفاهم" هسته ای اخیر!



جمهوری اسلامی و دولت های معروف به ۵+۱ در مذاکرات خود در رابطه با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی به "تفاهم" رسیده و این تفاهم به صورت بیانیه مشترکی در روز پنجشنبه (۱۳ فروردین ماه) در لوزان سویس به طور رسمی اعلام شد. این مذاکرات در واقع ادامه مذاکراتی است که سال هاست بین طرفین ادامه داشته و در نوامبر ۲۰۱۲ هم به توافق نامه ای که آن را "برنامه اقدام مشترک" می نامیدند منجر شده بود. البته قرار است توافق اصلی که چهارچوب آن اکنون اعلام می شود در آخر ماه ژوئن (۱۱ تیر ۱۳۹۴) قطعیت یافته و به امضای همه طرف های مذاکره برسد.

اهمیت تفاهم اعلام شده قبل از رسیدن به توافق قطعی، صرفاً در این است که این تفاهم رسماً از یک طرف چهارچوب آن چه بر سر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی خواهد آمد را روشن می سازد و از طرف دیگر بیانگر آن است که سردمداران جمهوری اسلامی با امضای تفاهم مذکور به چه خفت و خواری ای در مقابل چشم جهانیان تن داده اند.

همان طور که همگان می دانند سال هاست که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میلیارد ها دلار درآمد کشور را صرف پروژه تبهکارانه هسته ای نموده است؛ و همگان می دانند که این پروژه برای قدرت های سرمایه داری، دستاویزی شد تا تحریم هائی را علیه ایران اعمال نمایند که البته دودش قبل از هر کس به چشم مردم رنج دیده ما رفته است، در عین حال تحریم ها هزینه پروژه هسته ای را به ضرر خزانه کشور چندین برابر نمود. اکنون بررسی مفاد "تفاهم" اعلام شده آشکارا نشان می دهد که اولاً قدرت های بزرگ امپریالیستی چنان بندهائی دور پروژه اتمی رژیم بسته اند که به هیچوجه دیگر کارائی سابق خود را نخواهد داشت، و ثانیاً تحریم ها نه تنها به طور همه جانبه لغو نخواهند شد (یعنی همه تحریم ها لغو نخواهند شد) بلکه آن هائی هم که قرار است لغو شوند به یکباره چنین نخواهد شد، بلکه لغو آن ها مرحله به مرحله صورت خواهد گرفت - آن هم البته به شرط آن که غرب نتواند (به واقع سیاست اش ایجاب کند که نخواهد!) بهانه جدیدی برای عدم لغو آن ها پیدا بکند. بر این اساس است که غرب شدیدترین و همه جانبه ترین بازرسی ها را در تفاهم نامه مذکور برای خود محفوظ داشته است.

درست با امضای چنین تفاهم رسوائی است که اوپاما در حالی که از تفاهم نامه مذکور تحت عنوان "تفاهم تاریخی" نام می برد با احساس قدرت مطرح می کند که اگر این تفاهم نامه اجرا شود باعث می شود ایران "بطور کامل به جامعه کشورها باز گردد". در عین حال با بررسی این تفاهم نامه، دقیق تر می توان معنای عملی "نرمش قهرمانانه" ولی فقیه جنایتکار جمهوری اسلامی را هم در یافت.

اگر در طول مذاکرات، خامنه ای عربده می کشید که جمهوری اسلامی نه ۱۹ هزار بلکه ۱۹۰ هزار سانتریفیوژ لازم دارد و از آن کوتاه خواهد آمد بر اساس تفاهم اعلام شده جمهوری اسلامی صرفاً "۶۱۰۴ سانتریفیوژ خواهد داشت که ۵۰۶۰ عدد آن به مدت ۱۰ سال غنی سازی خواهند کرد"؛ و همه آن ها هم از نوع قدیمی "سانتریفیوژهای آی آر ۱ خواهند بود". هم چنین بر مبنای این تفاهم نامه "ایران برای ۱۵ سال اورانیوم تا ۳,۶۷ درصد غنی سازی خواهد کرد." و ذخایر اورانیوم چند هزار کیلوئی آن هم "به ۳۰۰ کیلو مواد ۳,۶۷ درصد غنی شده تقلیل خواهد یافت".

با توجه به نمونه های فوق آیا ضرورتی دارد که به تعطیل عملی مرکز غنی سازی فردو و راکتور آب سنگین اراک اشاره نمود که مطابق تفاهم نامه مذکور یکی به آزمایشگاه علمی تبدیل می شود و دیگری هم آن چنان "هسته اصلی" اش تغییر می کند که معنی عملی اش تعطیل آن به مثابه بخشی از برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی می باشد. البته بعد از این که جمهوری اسلامی به همه موارد تحمیل شده گردن نهاده، همان طور که اشاره شد تحریم ها نه آن طور که جمهوری اسلامی تبلیغ می کند، یکباره، بلکه مرحله به مرحله لغو خواهد شد. تازه تحقیر بارتر این است که تمامی تحرکات جمهوری اسلامی در زمینه این قرارداد تحمیلی، مورد شدیدترین بازرسی های خفت بار دول امپریالیستی قرار خواهد گرفت با این هدف که عدول از شروط آن ها صورت نگیرد. رسوائی این به اصطلاح توافقات تا آن جاست که خودشان می گویند این سیستم بازرسی بیسابقه بوده و "بیش از هر کشور دیگری در دنیا" اعمال خواهد شد.

مقایسه آن چه در این مذاکرات نصیب جمهوری اسلامی شده است با هزینه‌هایی که سردمداران مزدور جمهوری اسلامی صرف راه اندازی پروژه هسته‌ای شان کرده‌اند بار دیگر بروشنی نشان می‌دهد که علیرغم تبلیغات فریبکارانه جمهوری اسلامی و همه کسانی که می‌کوشیدند ثابت کنند که "پروژه هسته‌ای" فوق‌الذکر برنامه‌ای "ملی" و "مردمی" است، همان‌طور که نیروهای انقلابی بارها اعلام کرده‌اند این پروژه برنامه‌ای ضد مردمی و ضد ملی است. پروژه‌ای که ضررهائی غیرقابل جبران به منافع مالی و اقتصاد کشور وارد نموده و در عمل تنها باعث پر شدن جیب کمپانی‌های بزرگ امپریالیستی و مشتی بورژوازی بی‌همه چیز شده است.

موضوع مهم دیگر آن است که هنوز تفاهم مورد بحث به توافقنامه‌ای که همه طرف‌ها ملزم به اجرای آن باشند تبدیل نشده است که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی می‌کوشد چنین جلوه دهد که با لغو تحریم‌ها مشکلات مردم برطرف شده و تورم و گرانی و بیکاری از اقتصاد کشور رخت خواهد بست. در همین چهارچوب، روحانی مدعی شده: "یکی از وعده‌هایی که دولت به مردم داده بود، این که سانتریفیوژ بچرخد، اما زندگی مردم هم بچرخد. چرخش سانتریفیوژها زمانی برای ما ارزشمند است که چرخ اقتصاد هم در کنار آن در چرخش باشد". این ادعاها تماماً ریاکارانه بوده و تنها برای فریب مردم مطرح شده و می‌شوند. بدون انکار نقش مخرب تحریم‌ها بر دوش مردم ستمدیده ما واقعیت این است که آن چه در اساس باعث تورم و گرانی و فقر و فلاکت اکثریت آحاد جامعه ایران یعنی کارگران و زحمتکشان و طبقات پائین جامعه گشته همانا حاکم بودن سیستم سرمایه‌داری در جامعه و وابستگی ایران به سیستم سرمایه‌داری جهانی است که در بحران به سر می‌برد؛ و بحران اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشور ربطی به تحریم‌های اعمال شده از سوی قدرت‌های بزرگ نداشته و لغو آن‌ها - آن هم به قول خودشان مرحله به مرحله و با شرط و شروط هائی که افسارشان را خودشان به دست دارند - نمی‌تواند باعث از بین رفتن فقر و فلاکتی شود که امروز سایه سیاه خود را بر جامعه ایران گسترده است.

بنابراین هر تصویری مبنی بر این که با لغو تحریم‌ها و در زیر سلطه جمهوری اسلامی، زندگی کارگران و ستمدیدگان با "بهبود" مواجه خواهد شد و بار چپاول‌های میلیاردی زانو صفتان حاکم تقلیل خواهد یافت، با واقعیت انطباق نداشته و دیر یا زود این تقابل با همه دهشت‌هایشان در مقابل چشم همگان قرار خواهد گرفت. همه واقعیات و تجارب بیانگر آنند که برای رسیدن به یک زندگی انسانی و آزاد که دیگر کسی شاهد فقر و فلاکت و بیکاری نباشد، راهی جز تلاش برای نابودی جمهوری اسلامی و سلطه اربابان امپریالیست اش در مقابل مردم ما قرار ندارد. این تفاهم‌ها و بیانیه‌ها که سلطه جمهوری اسلامی را تحکیم می‌کنند درست در تقابل با این راه می‌باشد.

مرگ بر امپریالیسم!

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

چریک‌های فدائی خلق ایران

۱۵ فروردین ۱۳۹۴ - ۴ آپریل ۲۰۱۵